

فراتر از خبر

جزئیات تازه از طرح تغییر رژیم ایران؛ قرار بود کردها «زیر پرچم شیروخورشید پیشروی کنند»

راديو فردا

۳۷ دقیقه پیش



پیشمرگه‌های زن وابسته به حزب آزادی کردستان ایران در محلی نامعلوم در استان اربیل اقلیم کردستان عراق

یک روزنامه‌نگار سرشناس اسرائیلی در گزارشی تازه نوشته که هدف حقیقی این کشور از جنگ ۴۰ روزه با جمهوری اسلامی ایران، تغییر رژیم در تهران بود نه صرفاً نابودی برنامه هسته‌ای و موشکی‌اش.

نداو ایال مدعی است که ساقط کردن جمهوری اسلامی در حالی به‌عنوان هدف اصلی تعیین شده بود که نقشه راه حقیقی برای عملی کردن آن ترسیم نشده بود؛ تناسب این هدف با امکاناتی که اسرائیل در اختیار داشت به‌طور عمیق بررسی نشد، دولت بنیامین نتانیاهو هشدارهای ارتش این کشور در مورد مخاطرات این طرح را نادیده گرفت و به عواقب آن، مانند آسیب به جایگاه اسرائیل نزد آمریکا، فکر نکرده بود.

این روزنامه‌نگار در گزارشی که روز ۹ مرداد در مجله‌ی ضمیمه‌ی آخر هفته‌ی روزنامه‌ی «یدیعوت آحرونوت» منتشر شد، جزئیاتی را از مباحثات کابینه‌ی اسرائیل و اختلاف‌نظرها در میان مقامات ارشد سیاسی، اطلاعاتی و نظامی این کشور پیش و پس از جنگ‌های اخیر اسرائیل با ایران ارائه داده که خود آن را «اطلاعات تازه» خوانده است.

«رؤیاهای بزرگ؛ افشاگری‌های تازه درباره‌ی طرح تغییر رژیم ایران»

گزارش «رؤیاهای بزرگ؛ افشاگری‌های تازه درباره‌ی طرح تغییر رژیم ایران»، نتیجه‌ی «یک تحقیق جامع» نداو ایال بر اساس گفت‌وگوهایش با ده منبع نظامی و سیاسی اسرائیل بوده است.

این روزنامه‌نگار مدعی است که تلاش او تصویری دقیق‌تر از پشت‌پرده‌ها در بالاترین سطوح امنیتی و سیاسی اسرائیل ترسیم می‌کند؛ فراتر از ادعاهای پیشین که دو روزنامه‌ی «نیویورک تایمز» و «هاآرتص» در ماه‌های گذشته در خصوص تلاش دولت اسرائیل برای تغییر رژیم در ایران و جلب همکاری محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور پیشین، به‌عنوان یک گزینه‌ی رهبری منتشر کرده بودند و به‌شدت بحث‌برانگیز شد.

بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر اسرائیل، از بین بردن برنامه‌ی هسته‌ای و مهار توان موشکی ایران را هدف‌های اول و دوم جنگ ۴۰ روزه اعلام کرده بود.

نتانیا‌هو اما از آغاز کار پنهان نکرد که هدف سوم جنگ هم فراهم کردن شرایطی برای مردم ایران است که بتوانند کار حکومت جمهوری اسلامی را یکسره کرده و اسرائیل نیز از وجود چنین رژیمی که نابودی این کشور را عملاً دنبال کرده و با تشکیل گروه‌های نیابتی در محور موسوم به «مقاومت» در اطراف اسرائیل «حلقه آتش» به پا کرده، رهایی یابد.

نداو ایال گزارش خود را حول این ادعا نوشته که «تغییر رژیم ایران» هدف واقعی جنگ بود، نه یک خواسته فرعی یا شعاری تبلیغاتی.

به نوشته‌ی او، چنین هدفی قرار بود بر اختلاف‌نظرها درباره‌ی ماهیت نهایی جنگ با ایران در میان مقام‌های اسرائیلی نقطه پایان بگذارد، در حالی که برخی از مقامات و نهادها همچنان خواهان محدود کردن جنگ به اهداف مشخص و معین نظامی بودند.

اختلافات موساد و ارتش

آقای ایال نوشته که طرح موساد برای تغییر رژیم با مخالفت ارتش روبه‌رو شد. ارتش و موساد بر سر ماهیت، میزان اهمیت و تناسب امکانات موجود برای تحقق این هدف توافق نداشتند.

ارتش خطرات و هشدارهای لازم را در خصوص طرح «به‌طور کامل» و حتی به‌صورت کتبی در اختیار کادر سیاسی گذاشت؛ تصمیم نهایی با وزیران و شخص بنیامین نتانیا‌هو بود.

به نوشته ایال، سازمان اطلاعات نظامی ارتش، امان، که در مورد احتمال موفقیت طرح موساد به‌شدت مردد بود، به مقامات سیاسی هشدار داد که به آن دل نبندند، زیرا بخت تحقق آن اندک است و فروپاشی ساختار حاکم بر

ایران از طریق امکانات و راهکارهای نظامی محدودی که اسرائیل دارد، بسیار کم‌احتمال است.

امان اخطار کرد که شکست این طرح، رژیم ایران را در گام گذاشتن در مسیری پرشتاب‌تر از گذشته برای دستیابی به سلاح هسته‌ای راسخ‌تر خواهد کرد؛ اکنون بسیاری از کارشناسان امور ایران در اسرائیل، پس از

**از کردهای مشارکت‌کننده
در طرح خواسته شد که زیر
پرچم شیروخورشید ب‌جنگند تا
اقدام آن‌ها در نگاه مردم ایران
نه یک تهاجم جدایی‌طلبانه
کردی، بلکه یک قیام ایرانی دیده
شود. بر اساس این گزارش، قرار
بود حمله کردها از غرب کشور
انجام شود؛ شهر به شهر پیش
بروند با این امید که در مسیر
(مانند سرنگونی حکومت سوریه
که برای نتانیا‌هو الهام‌بخش
بود)، کردهای بیشتر و ایرانیان
دیگری را با خود همراه کرده و
به سوی تهران پیشروی کنند.**

نداو ایال

گذشت پنج ماه از شروع آن جنگ، در این ارزیابی اجماع دارند که مجتبی خامنه‌ای «حقیقتاً در حال بررسی اقدام برای دستیابی به بمب اتمی است».

میز تحقیقات در امان در هشدار خود نوشت شکست طرح تغییر رژیم اثر معکوس خواهد داشت؛ نه تنها حکومت تهران تضعیف نخواهد شد، بلکه تدریجاً حکومتی بهانه مشروع خواهند داشت تا با کنار زدن محدودیت‌های پیشین، نیت تولید بمب اتمی را عملی کنند.

موساد رسماً به کابینه گزارش داده بود که تغییر رژیم ایران «در یک تا سه سال» قابل تحقق است، اما وزیران حاضر در نشست‌ها گفتند که برداشت ما از گزارش‌ها این بود که تغییر رژیم در یک روند سریع و قاطع، با کشتن علی خامنه‌ای و سپس حمله کردهای مسلح‌شده و تحت حمایت موساد اوج خواهد گرفت و با به‌کارگیری احمدی‌نژاد و سپس همراهی معترضان در خیابان‌های ایران قابل تحقق است.

مقاماتی در میان امنیتی‌های اسرائیل تکیه موساد بر کردها را «متوهمانه» می‌دانستند، اما موساد گفته بود که این تخصص ماست و کردهای مسلح قرار نیست ایران را تسخیر کنند، بلکه آن‌ها رژیم را سرگرم خواهند کرد تا روند سقوط حکومت در تهران به‌خوبی پیش برود.

پیشروی زیر پرچم «شیروخورشید»

آقای ایال نوشته که خود موساد نگران بود حمله کردهای مسلح به خونریزی و کشتار منجر شود و شرط‌هایی را مانند «ده فرمان» تورات برای آن‌ها با این مفاد ابلاغ کرد: «قتل نکنید، غارت نکنید، تجاوز و جنایت جنگی نکنید، و اگر چنین کنید، نیروی هوایی اسرائیل از شما حمایت نخواهد کرد و در آن صورت، کارتان با مردم ایران است که حساب‌تان را خواهند رسید».

نویسنده مدعی است این مشکل سیاسی که چگونه چند جناح رقیب در میان کردها را وادار به اقدامی هماهنگ کرد، از سوی موساد حل شد و این کار را به گونه‌ای که (به باور این تشکیلات) بتواند واقعا منجر به تغییرات سیاسی در ایران شود، انجام داد.

گزارش می‌افزاید که از کردهای مشارکت‌کننده در طرح خواسته شد که زیر پرچم شیروخورشید بجنگند تا اقدام آن‌ها در نگاه مردم ایران نه یک تهاجم جدایی‌طلبانه کردی، بلکه یک قیام ایرانی دیده شود. بر اساس این گزارش، قرار بود حمله کردها از غرب کشور انجام شود؛ شهر به شهر پیش بروند با این امید که در مسیر (مانند سرنگونی حکومت سوریه که برای نتانیاهو الهام‌بخش بود)، کردهای بیشتر و ایرانیان دیگری را با خود همراه کرده و به سوی تهران پیشروی کنند.

به گفته نویسنده گزارش، امید این بود که شمار این نیروها تا تهران، از ۱۵ هزار تن به ۲۰۰ هزار نفر افزایش یابد و در مسیر پیشروی به پایتخت از حمایت هوایی اسرائیل برخوردار شوند.

موساد دل بسته بود به این‌که پس از مرحله نخست بمباران‌ها، اقلیت‌های دیگر هم به میدان بیایند و بسیاری کارهای دیگر هم انجام شود و سرانجام عامه مردم مانند اعتراضات دی‌ماه به خیابان‌ها بریزند.

طرح یک «طغیان اجتماعی»

موساد «یک طغیان اجتماعی» را که از نظر خود «بی‌نقص» بود، به تصویر کشیده بود. منابعی که با آقای ایال صحبت کرده‌اند، در همین حال گفته‌اند که هشدارهای ارتش در مورد طرح موساد نیز شدید نبود. واقع در مشورت‌هایی که در کابینه امنیتی و یا نشست کابینه بزرگ‌تر برگزار شد، کسی حرف دیگری بیان نکرد و ملاحظه‌ای نداشت و نخست‌وزیر و وزیر دفاع مجوز عملی کردن طرح را صادر کردند.

گزارش حاکی است پس از آن‌که دونالد ترامپ به ناگهان پا پس کشید و با طرح موساد، به‌ویژه به‌کارگیری کردهای مسلح، شدیداً مخالفت کرد، اسرائیل ناچار شد عملیات نظامی را که برای تحقق آن انجام داده

بود، مانند بمباران‌ها در مناطق کردنشین و گذرگاه‌های شمال غرب ایران، متوقف کند.

با این حال، در آن مرحله نیز نتانیاهو همچنان اصرار داشت که سریعاً طرحی جایگزین تهیه شود، اما این راهکار جایگزین، این بار به دلیل «محدودیت‌های عملیاتی» با انتقادهایی در میان تصمیم‌گیرندگان سیاسی در کابینه روبه‌رو شد.

یکی از وزیران که نامش برده نشده، گفته است: نیروی هوایی به اهداف سیاسی مشغول شد و عدم همخوانی عملیات هوایی با توان میدانی و واقعی در تغییر رژیم، اسرائیل را عملاً به وضعیتی کشاند که هزینه سنگینی متحمل شد و نیروی هوایی نتوانست اهداف حیاتی از قبل تعیین‌شده علیه برنامه هسته‌ای ایران را کاملاً محقق کند.

برخی از آگاهان به نشست‌ها هنوز مدعی هستند که اگر آمریکا نظر خود را درباره تغییر حکومت ایران عوض نکرده بود، عملیات ممکن بود موفق شود. اختلافات در این زمینه همچنان ادامه دارد.

گزارش نوشته که طرح موساد بخش‌های دیگر نسبتاً متقاعدکننده و دارای اهمیت بالا نیز داشت، اما به دلیل نبود مجوز برای انتشار آن، طرحی که فعلاً جزئیاتی از آن در دسترس است، به شدت ناکافی به نظر می‌رسد.

آقای ایال مدعی است کسی به کابینه اسرائیل درباره قدرت رئیس‌جمهور ترکیه در اثرگذاری بر تصمیمات آمریکا هشدار نداده بود و این‌که اردوغان، این مخالف سرسخت اسرائیل، کسی خواهد بود که عملاً طرح موساد را خنثی می‌کند.

گزارش‌های پیشین حاکی از آن بود که رجب طیب اردوغان با آگاهی از طرح موساد، به دونالد ترامپ گفت که مبدا به سوی عملی کردن آن گام بردارد. رئیس‌جمهور آمریکا همواره گفته که احترام زیادی برای «دوست خوب» خود در رهبری ترکیه قائل است و آن‌ها روابط کاری «عالی» دارند.

تزلزل جایگاه اسرائیل در آمریکا

به نوشته آقای ایال، اصرار بر طرح تغییر رژیم ایران همچنین به جایگاه اسرائیل در آمریکا ضرباتی جدی وارد کرد، به گونه‌ای که برای نخستین بار نه تنها در صدی قابل‌تأمل از افکار عمومی آمریکا مخالف اسرائیل شده‌اند، بلکه سیاستمداران آمریکایی با صراحت بیشتری از اسرائیل انتقاد می‌کنند و نگاه مثبت و دوحزبی جامعه و رهبری آمریکا به اسرائیل لطمه دیده است.

گزارش، این نکته را وخیم می‌داند که هیچ مقام و نهادی در اسرائیل درباره احتمال تزلزل جایگاه این کشور نزد آمریکا هشدار نداده و این احتمال به‌طور عمیق بررسی نشده بود.

نداو ایال، که انتقادهای زیاد از بنیامین نتانیاهو و دولت او را در کارنامه خود دارد، نوشته که نخست‌وزیر اسرائیل تصمیم‌گیرنده نهایی، محرک و هدایتگر جنگ علیه ایران بود، اما اکنون سکوت کرده است.

او مدعی است مسئولیت عواقب راهبردی جنگ، انزوای

اسرائیل، نگاه سرد آمریکاییان به این متحد خود و پیامدهای دیگر، همگی بر دوش نتانیاهو است، اما او مانند موارد دیگری همچون عدم تشخیص به‌موقع خطر حمله گروه افراطی حماس به اسرائیل، مسئولیت نمی‌پذیرد.

نداو ایال مدعی است کسی به کابینه اسرائیل درباره قدرت رئیس‌جمهور ترکیه در اثرگذاری بر تصمیمات آمریکا هشدار نداده بود و این‌که اردوغان، این مخالف سرسخت اسرائیل، کسی خواهد بود که عملاً طرح موساد را خنثی می‌کند.

توجه دادن افکار عمومی اسرائیل به «عدم مسئولیت‌پذیری» نتانیاهو در شکست طرح تغییر رژیم ایران، در شرایطی بیان می‌شود که اسرائیلی‌ها کمتر از سه ماه دیگر به پای صندوق رأی می‌روند؛ انتخاباتی که عملاً چالشی بر سر ماندن یا کنار نهادن نتانیاهو از رهبری طولانی اوست.

نتانیاهو هفته گذشته در سفر به آمریکا تکرار کرد که هنوز معتقد است وضعیت جمهوری اسلامی در نتیجه جنگ‌های اخیر اسرائیل و آمریکا، به میزانی از تزلزل رسیده که بقایش امکان‌پذیر نیست؛ اما بار دیگر ضربه نهایی به رژیم حاکم را کار مردم ایران دانست.

داوید برنئا، رئیس پیشین موساد و طراح تغییر رژیم ایران که جلب همکاری احمدی‌نژاد نیز به او نسبت داده می‌شود، هنوز از عملیات سازمان خود برای ساقط کردن حکومت ایران دفاع می‌کند. او به خلف خود، سرلشکر رومن گوفمن، گفته که باید این هدف را دنبال کند.

نتانیاهو و وزیرانش درباره گزارش‌های پیشین نیویورک‌تایمز و هاآرتص در خصوص طرح موساد برای انتخاب احمدی‌نژاد به عنوان جایگزین رهبری در ایران سکوت کرده‌اند.

احمدی‌نژاد با رد قاطع مطالب منتشرشده، آن را سخیف خواند و نیویورک‌تایمز را «روزی‌نامه» لقب داد.

کردهای مسلح ایرانی در تبعید نیز مدعی عدم ارتباط با طرح موساد شده و گفته‌اند که تسلیحاتی برای انجام این طرح نگرفته بودند، حال آن‌که دونالد ترامپ بارها از تحویل سلاح به گروه‌های شبه‌نظامی کرد سخن گفته و خواستار پس دادن آن‌ها شده است.

از سوی دیگر، افشاگری‌ها و بحث‌های داغ درباره میزان موفقیت یا شکست در جنگ‌ها و بررسی عملکرد رهبران و فرماندهان در چنین مقاطعی، از دیرباز امری آشنا برای جامعه اسرائیل بوده و تازگی ندارد؛ بحث‌هایی که گاه از دهه‌ها پیش تا به امروز ادامه یافته و مثال بارز آن اختلافات بر سر عملکرد رهبران و فرماندهان در جنگ یوم کیپور در ۵۳ سال پیش است که تا به امروز ادامه دارد.

ظاهراً مناقشه داخلی اسرائیل بر سر نحوه مدیریت جنگ با ایران نیز در این ردیف قرار خواهد گرفت، تا روزی در چند دهه آینده که اسناد حقیقی مباحثات آن به‌طور رسمی از آرشیو دولتی منتشر شود.

این مطلب بخشی از:

فراتر از خبر

بایگانی

ایران